

شنبه 24 تیر 1396 - 20 شوال 1438 - 15 جولای

مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285ش)

**مهاجرت علما و مردم تهران به قم و آغاز هجرت کبری در جریان نهضت مشروطه (1285ش)**

در ادامه نهضت مشروطه، پس از آن که خواسته rlm&های علما و مردم در مورد تاسیس عدالت خانه و اجرای قوانین اسلام و... عملی نشد، علما تصمیم گرفتند که به قم مهاجرت نموده و در حرم حضرت معصومه (س) تحصن کنند. در نهایت در 24 تیر 1285 ش برابر با 23 جمادی الاول 1324، حضرات آیات سید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی در رأس یک گروه هزار نفری به سوی قم حرکت کردند و مهاجرت کبری را شروع نمودند. همچنین شیخ فضل rlm&الله نوری، سه روز بعد با فراهم آوردن جمعیت بسیار زیاد، از تهران به قم هجرت نمود. این مهاجرت، موجی از یک قیام در سراسر کشور ایجاد کرد و علمای بزرگ زمان از قبیل آقاجانی اصفهانی و آخوند ملا قربانعلی زنجان از روحانیون مشهور و متنفذ اصفهان و زنجان، به این تحصن پیوسته و روحانیون سایر شهرها با تلگراف rlm&های متعدد، در انجام خواسته متحصنین قم پافشاری نمودند. در جایی که نهضت در اوج پیروزی قرار داشت و مظفرالدین شاه قاجار هم خواسته رهبران نهضت را پذیرفته بود، به واسطه دست rlm&های مرموزی که در جریان بود، اولین انحراف نهضت آشکار شد و عده rlm&ای از مردم، ناآگاهانه به سفارت انگلیس پناهنده شدند و در حیاط سفارت تحصن کردند. تحصن بیش از بیست هزار نفر از مردم در سفارت انگلستان، هرچند در ظاهر به بهانه حفظ جان مردم صورت می rlm&گرفت ولی در واقع نوعی تعدی از احکام اسلامی بود که استعمار پیر به دنبال آن بود. این انحراف بعدها تا آنجا کشیده شد که شیخ فضل rlm&الله را که خود، از رهبران مشروطه به شمار می rlm&رفت، به دلیل مخالفت با مشروطه غیرمشروعه، به جوخه دار سپردند. سرانجام بر اثر فشار متحصنین، مظفرالدین شاه تمامی خواسته rlm&های آنان را پذیرفت و در 14 مرداد 1285ش، طی فرمانی، ضمن عزل عین rlm&الدوله، صدر اعظم مستبد خود، دستور برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس شورا را صادر کرد. در نهایت علما و مردم متحصن در قم، ده روز بعد از امضای فرمان مشروطه، با احترام به تهران بازگشتند.

ترور روحانی مجاهد آیت rlm&الله "سید عبدالله بهبهانی" یکی از سران اصلی مشروطیت (1289ش)

آیت الله سید عبدالله بهبهانی در اوایل قرن سیزدهم هجری شمسی در شهر نجف اشرف به دنیا آمد و تحت توجّهات پدر فاضل و مجاهدش، سید اسماعیل مجتهد بهبهانی، تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. آقا سید عبدالله، به زودی در حلقه درس عالم و فقیه بزرگ شیعه، حاج میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزای بزرگ جای گرفت و به سرعت مدارج عالی علمی را پیمود. آیت الله بهبهانی قبل از انقلاب مشروطیت نیز از روحانیان و علمای مشهور ایران به شمار می rlm&رفت و در امور سیاسی دخالت داشت. وی با آغاز نهضت مشروطه، به صف مبارزان پیوست و با یاری و همکاری آیت الله سید محمد طباطبائی، رهبری مشروطه rlm&خواهان را به عهده گرفت. آیت الله بهبهانی در رهبری نهضت مشروطه، نقش بسزایی داشت و در این راه، زحمات فراوانی را متحمل شد. وی پس از به توپ بستن مجلس و پس از ضرب و شتم و اهانت به ایشان، به دستور محمدعلی شاه قاجار به کرمانشاه تبعید شد و پس از چند ماه راهی عتبات گردید. آیت الله بهبهانی پس از فتح تهران توسط مشروطه rlm&طلبان، به پایتخت بازگشت و از آن پس نفوذ فوق rlm&العاده rlm&ای در مجلس پیدا کرد. میانه rlm&روها که اکثریت مجلس دوم را تشکیل می rlm&دادند از بهبهانی پیروی می rlm&کردند که این امر خشم تندروان را برانگیخت و تصمیم به قتل آیت الله بهبهانی گرفتند. سرانجام با نقشه تندروها، در 24 تیرماه 1289 ش برابر با نهم رجب 1328 ق، مزدوران به خانه این روحانی مجاهد رفته و با شلیک سه گلوله، وی را به شهادت رساندند. پس از شهادت ایشان، مجلس شورای ملی و بازار تهران تعطیل و عزای عمومی اعلام شد. بعدها پیکر آیت الله بهبهانی به شهر نجف منتقل و مدفون گردید. گویند ترور این عالم مجاهد به تحریک "سید حسن تقی rlm&زاده" بوده است.

دستگیری امام کاظم (ع) به دستور هارون (179ق)

هارون یکی از خلفای ستمگر عباسی هم rlm&دوره با امام موسی ابن جعفر علیه السلام، از بیم محبوبیت و نفوذ امام، کسانی را در مدینه بر حضرت گماشته بود تا از آن rlm&چه در گوشه و کنار خانه امام علیه السلام می گذرد، وی را آگاه کنند. او از محبوبیت بسیار و معنویت نافذ امام علیه السلام سخت بیمناک بود. نفوذ معنوی امام موسی علیه السلام در دستگاه حاکم به rlm&حدی بود که کسانی مانند علی بن یقطين صدراعظم (وزیر) دولت عباسی، از دوستداران حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بودند و به دستورات حضرت عمل می کردند. سرانجام بدگویی rlm&هائی که اطرافیان از امام کاظم علیه السلام کردند در وجود هارون کارگر افتاد. وی در سفری نیز که در سال ۱۷۹ ق به حج رفت، بیش از پیش به عظمت معنوی امام علیه السلام و احترام خاصی که مردم برای امام

تصرف و اشغال بیت المقدس در فلسطین توسط سپاهیان صلیبی (1099م)

جنگ؛rlm&های صلیبی عنوان يك سلسله از جنگ؛rlm&هایی است که طی قرون یازده تا سیزده میلادی با تهاجم مسیحیان به سرزمین؛rlm&های اسلامی به وقوع پیوسته است. در این نبردها که به بهانه نجات قبر حضرت عیسی(ع) از دست مسلمین آغاز گردید قتل و غارت و استثمار و استعمار مسلمین، هدف اصلی جنگجویان مسیحی بود. در سال 1095م پاپ اوربانوس با شعار "این است اراده خدا"، نسبت به تصرف بیت؛rlm&المقدس توسط مسلمانان، که از آنها به عنوان دشمن یاد نمود، اظهار نگرانی کرد و برای آزادسازی آن از یاران مسیح(ع) کمک خواست. از این؛rlm&رو، اولین جنگ صلیبی در نیمه اوت 1096م با شرکت اقوام اروپایی آغاز شد و مسیحیان به طرف فلسطین به راه افتادند. آنان در مسیر خود پس از کشتار و قتل عام در شهرهای منطقه آسیای صغیر و به ویژه انطاکیه، به راه خود ادامه دادند. شهر بیت؛rlm&المقدس در آن زمان در اختیار خلفای فاطمی بود و گرچه در ابتدای کار، دولت فاطمی به صلیبیون پیشنهاد دوستی داد اما آنها که برای قتل و غارت و تصرف آن شهر حرکت کرده بودند ضمن رد این پیشنهاد، خود را به آن منطقه رساندند. در این هنگام، اردوی چهارصد هزار نفری مسیحیان برای تسلط بر بیت؛rlm&المقدس آماده می؛rlm&شدند و درخواست کمک والی این شهر از مصر به عنوان مقر خلفای فاطمی به جایی نرسید. صلیبیون حدود 40 روز به محاصره شهر ادامه دادند و سرانجام پس از چند حمله، موفق شدند بخشی از دیوار دفاعی شهر را ویران نموده و پس از فرار مدافعین آن، سربازان صلیبی وارد شهر شدند. در نهایت در روز 15 ژوئیه 1099 بیت؛rlm&المقدس سقوط کرد. مردم شهر تسلیم شدند و پرچم امان فرمانده صلیبی؛rlm&ها برافراشته شد، اما سربازان مسیحی بدون توجه به این مسئله آنچنان قتل و غارت و کشتاری به راه انداختند که همه مورخین، اعم از مسیحی و مسلمان، به آن اذعان نموده؛rlm&اند. در جریان این حمله وحشیانه در مسجدالاقصی بیش از هفتاد هزار نفر به قتل رسیدند و این آغازی بود بر تسلط مسیحیان بر اولین قبله مسلمین.

موسی الکاظم علیه؛rlm&السلام قائل بودند، پی برد. هارون سخت از این جهت، نگران شد. وقتی به مدینه آمد و قبر منور پیامبر اکرم صلی؛rlm&الله علیه و آله و سلم را زیارت کرد، تصمیم بر جلب و دستگیری امام علیه؛rlm&السلام یعنی فرزند پیامبر صلی؛rlm&الله علیه و آله و سلم گرفت. وقتی قرار شد آن حضرت را از مدینه به بصره آورند، دستور داد چند کجاوه به کجاوه امام علیه؛rlm&السلام ببندند و بعضی را نابهنگام و از راه؛rlm&های دیگر ببرند، تا مردم ندانند که امام علیه؛rlm&السلام را به کجا و با کدام کسان بردند، تا یأس بر مردمان چیره شود و به نبودن رهبر حقیقی خویش خو گیرند و سر به شورش و بلوا برندارند و از تبعیدگاه امام علیه؛rlm&السلام بی خبر بمانند. و این؛rlm&همه بازگوکننده بیم و هراس دستگاه بود. هارون، امام موسی کاظم علیه؛rlm&السلام را - با چنین احتیاط ها و مراقبت؛rlm&هایی - از مدینه تبعید کرد و چندین سال امام علیه؛rlm&السلام از این زندان به آن زندان انتقال می یافت. شگفت آن؛rlm&که، هارون با توجه به شخصیت والای موسی بن جعفر علیه؛rlm&السلام پس از درگذشت و شهادت امام علیه؛rlm&السلام نیز اصرار داشت تا مردم این خلاف حقیقت را بپذیرند که حضرت موسی بن جعفر علیه؛rlm&السلام مسموم نشده بلکه به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.